

# ادوارد براون و ایران

## حسن بهائی

www.ketab.ir

## ادوارد براون و ایران

تألیف حسن جوادی

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

چاپ اول ۱۳۹۶

شمارگان ۵۵۰ نسخه

صفحه آرایشی یاسر عزآباد

استخراج فهرست اعلام شیوا نظر آهاری

طرح جلد پارسوا باشی

چاپ غزال

ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه جوادی، حسن.

مشخصات نشر تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری ۷۳۰ ص.

بک ۱۳ ۷۴۳۰ ۹۷۸۶

وضعیت فهرست نویسی

موضوع براون، ادوارد. انویل ۱۸۶۲-۱۹۲۶ م.

Browne, Edward Granville

ایران تاریخ انقلاب مشروطه ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق.

Iran History Constitutional Revolution 1306-1909

ایران - تاریخ، بریه، ۱۱۳۳-۱۳۴۴ ق.

Iran History, Qajars, 1779-1925

ایران، سیر و سیاحت، قرن ۳ ق.

Iran Description and travel - 19th century

رده بندی کنگره ۱۳۹۵ ج ۶ / ۵۵ / ۶۴ DSR

رده بندی دیویی ۹۵۵ / ۰۷۴۵

شماره کتابشناسی ملی ۴۲۷۰۶۱۰

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

قیمت ۸۰۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

|     |                                                               |
|-----|---------------------------------------------------------------|
| ۷   | مقدمه                                                         |
| ۱۳  | فصل اول: ایام تحصیل                                           |
| ۳۵  | فصل دوم: وضع سیاسی انگلیس و دوستان ایرانی براون               |
| ۶۹  | فصل سوم: یک سال در میان ایرانیان                              |
| ۱۲۵ | فصل چهارم: تدریس فارسی و مطالعات پایه                         |
| ۱۲۵ | ۱. سال هفدهم: پیش از مشروطه                                   |
| ۱۴۱ | ۲. سده بیستم: قیام و عکا                                      |
| ۱۵۰ | ۳. مطالعات و انتشارات و ایرادات بهائیان                       |
| ۱۶۵ | ۴. ادامه اخبارات و انقلاب مشروطه                              |
| ۱۷۱ | فصل پنجم: بحثی در تصوف و ایرادات کسروی                        |
| ۱۹۵ | فصل ششم: حلقه استانبول                                        |
| ۱۹۵ | ۱. ایرانیان مقیم استانبول و براون                             |
| ۲۱۵ | ۲. تاریخ شعر عثمانی و حسین دانش و رضا توفیق                   |
| ۲۲۵ | ۳. براون و حسین دانش و نهضت مشروطه                            |
| ۲۴۱ | فصل هفتم: براون و بلانت - شرق شناسی، اسلام و استقلال ملای شرق |
| ۲۶۹ | فصل هشتم: مقدمات مشروطه و علاقه مندی براون به سیاست           |
| ۲۶۹ | ۱. آغاز روابط براون با مشروطه خواهان                          |
| ۲۸۶ | ۲. مشروطه خواهان در اروپا                                     |
| ۳۱۹ | فصل نهم: بعد از فتح تهران                                     |
| ۳۱۹ | کمیته ایران بعد از فتح تهران و دوره دوم فعالیت براون          |
| ۳۶۹ | فصل دهم: اوقاف گیب                                            |
| ۳۸۷ | فصل یازدهم: سه کتاب                                           |
| ۳۸۷ | ۱. انقلاب ایران                                               |
| ۴۱۰ | نقدهایی بر انقلاب ایران                                       |

|     |                                                  |
|-----|--------------------------------------------------|
| ۴۱۴ | ۲. شعر و مطبوعات معاصر ایران                     |
| ۴۳۶ | ۳. نامه‌هایی از تبریز                            |
| ۴۵۵ | فصل دوازدهم: سالهای جنگ جهانی                    |
| ۴۹۵ | فصل سیزدهم: براون و کرزن                         |
| ۵۲۱ | فصل چهاردهم: تاریخ ادبی ایران                    |
| ۵۹۱ | فصل پانزدهم: سالهای بازپسین                      |
| ۶۲۵ | پیوست‌ها                                         |
| ۶۲۵ | دوستان و شاگردان براون                           |
| ۶۲۵ | ۱. شیخ حسن تبریزی مشهور به کیمبرجی               |
| ۶۳۲ | ۱. لازلو سکهارت                                  |
| ۶۳۴ | ۳. میسر لایق                                     |
| ۶۳۷ | ۴. دبیر بهرز                                     |
| ۶۴۲ | ۵. اقبال مهور                                    |
| ۶۴۶ | ۶- رایینو                                        |
| ۶۵۰ | ۷. میرزا یحیی دولت‌آبادی                         |
| ۶۵۵ | ۸- علی اکبر دهخدا                                |
| ۶۵۹ | ۹. دوستان ایرلندی براون: جن دیلی و فدرایان       |
| ۶۶۹ | ۱۰. ولادیمیر مینورسکی                            |
| ۶۷۴ | ۱۱. سردنيسن راس و مدرسه زبانهای آسیایی و آفریقای |
| ۶۸۴ | ۱۲. بیر آلبرت هتوم شیندلر                        |
| ۶۹۰ | ۱۳. گای لسترانج                                  |
| ۶۹۳ | ۱۴. نیکلسون                                      |
| ۷۰۱ | ۱۵. ابوالحسن خان معاضد السلطنه نائینی            |
| ۷۰۵ | ۱۶. میجر استوکس                                  |
| ۷۰۹ | آرامگاه براون و همسرش                            |
| ۷۱۲ | نامه براون به مظفرالدین شاه                      |
| ۷۱۹ | فهرست اشخاص و کتاب‌ها                            |

## قدمه

آشنایی من با آثار براون از کلاس نهم شروع شد. بعد مریض شدم به مدرسه نرفتم و سه سال آخر امتفان در دو سال گذراندم. من از طریق نوشته‌های علامه قزوینی، آثار و زندگی براون آشنا شدم. با زحمت زیاد چهار جلد تاریخ ادبیات ایران را از نشریات دانشگاه کیمبریج سفارش دادم. پیرمردی ارمنی، آیدم کردم که از دست بلشویک‌ها گریخته بود و زبان‌های زیادی می‌دانست و از جلد سوم براون شروع کردیم که مربوط به دوره مغول و تیموریان است. ترجمه‌های براون از آثار شعرای ایران در سرتاسر تاریخ ادبیات خیلی به بهتر ساختن انگلیسی من کمک کرد. مسیو لئون مقالاتی درباره شرق شناسان بزرگ روس، انگلیس، فرانسه و آلمان نوشته بود که هیچ کدام را در جایی چاپ نکرده بود. آنها را برای من می‌خواند و اینها باعث علاقه من به تاریخ شرق شناسی شد. در سال ۱۳۳۸ از دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز لیسانس

انگلیسی گرفتم و عنوان رساله‌ام، «تأثیر ادبیات فارسی بر روی ادبیات انگلیسی» بود. اندکی بعد برای ادامه تحصیل اول به پاریس و بعد به کیمبریج رفتم و هیچ انتظار نداشتم که در دوره دکترای ادبیات انگلیسی کیمبریج قبول شوم، ولی چنین شد. استاد من پروفیسور آربری بود که شاگرد نیکلسون بود و به براون ارادت خاصی داشت. از سوی دیگر پسر عموی پدرم مرحوم میرزا عبدالله مجتهدی، که از فضلا و مجتهدین نامدار تبریز بود، نامه‌ای به انگلیسی به پروفیسور مینورسکی نوشته و سفارش مرا کرده بود. مینورسکی که سالها در ایران بود و چند سالی در تبریز کنسول روس بود، معلومات وسیع و عجیبی داشت و دانشمندی را به‌علاوه تشنه‌ی بود و با براون همکاری می‌کرد. زمانی که من در سال ۱۹۶۰ به کیمبریج رفتم، مینورسکی از مدرسه زبانهای شرقی و آفریقایی لندن رستخته شده در خانه دوطبقه‌ای روبروی باغ نباتات کیمبریج زندگی می‌کرد.

من در کالج پمبروک برآمدم و بعداً هم مدرّس فارسی و دستیار آربری شدم. براون پیش از ازدواج در پمبروک زندگی می‌کرد و در حیاط پیچک‌ها آپارتمانی داشت که روزگاری محل اقامت جوان‌ترین نخست‌وزیر انگلیس یعنی پیت رد. من در کیمبریج با لارنس لکه‌هارت، که کتاب نادرشاه را شناسه و راست، آشنا شدم. او شاگرد براون بود و شرح کلاس‌های براون را می‌داد که چقدر پرجذبه و جالب بود و می‌گفت اغلب شب‌ها دانشجو‌ها در اتاق براون جمع می‌شدند و پای صحبت او می‌نشستند. من در کتابخانه دانشگاه کیمبریج و نیز در کتابخانه کالج پمبروک بیشتر کتابها و یادداشت‌های براون را دیده بودم و می‌دانستم کتابی دارد به نام نامه‌هایی از تبریز که چاپ نشده بود. سال ۱۹۶۲ یک صدمین سالگرد تولد براون بود و مراسمی در کالج برگزار شد. یکی از دو پسر براون، سر پتریک براون که قاضی دیوان عالی لندن

بود، به مناسبت این مراسم به پمبروک آمد. من از او اجازه گرفتم نامه‌هایی از تبریز را ترجمه و چاپ بکنم، و پس از بازگشت به ایران در ۱۹۶۵ شروع به ترجمه این کتاب کردم. ولی اصل نامه‌ها پیدا نمی‌شد تا این که در ۱۹۷۰ برای بار دوم برای تدریس ادبیات فارسی به کیمبریج برگشتم و به راهنمایی لکه‌هارت با نوه براون، خانم کرافورد آشنا شدم و نه تنها تمام نامه‌هایی از تبریز بلکه مقدار زیادی از اسناد و نامه‌های براون را پیش او یافتم. این اسناد به این خانم در کمال محبت در اختیار من گذاشت، اکنون در کتابخانه دانشگاه کیمبریج است، و چنان‌که خواهد آمد، نامه‌هایی را تبریز را چاپ کردم. تعداد نامه‌ها و اسناد خیلی زیاد بود و به زحمات من و مایه بن کپی در دسترس نبود، ولی من توانستم از مقداری ملاحظات باین نسخه بردارم.

خواندن این مکاتبات و اسناد بیش از پیش مرا به شخصیت براون علاقه‌مند کرد و مقایسه‌ای با عنوان «ای. جی. براون و نهضت مشروطه ایران» در مجله‌ای که در سال ۱۹۷۶ در ایران: مجله مؤسسه بریتانیا برای مطالعات ایران‌شناسی منتشر شد، و این سرآغازی بود برای کتاب حاضر. آن زمان کسی در ایران، و حتی می‌توانم بگویم در انگلستان، براون را در زمره رجال‌های آزادی خواه مطالعه نکرده بود. کسانی که با سیاست‌های دولتی ایران در خاورمیانه، خصوصاً سیاست سرادارد گری برای رضایت روسها به خاطر ترس از آلمان، و دادن هرگونه آزادی غیر در ایران به آنها، مخالفت می‌کردند و یا با سیاست انگلیس

1. "E.G. Browne and the Persian Constitutional Movement," *Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies*, vol. 14 (1976):133-40.

این کتاب اخیراً به فارسی ترجمه شده است: بریتانیا و انقلاب مشروطه ایران: ۱۹۰۶-۱۹۱۱، منصور بنکداریان، ترجمه کاظم فیروزمند، نامک، ۱۳۹۲.

در ایرلند و نیز جنگ بوئر مخالف بودند. براون مانند دوستش ویلفرید بلانت، که نشریاتش دربارهٔ فجایع انگلیس در مصر، در لندن غوغایی برپا کرد و به خاطر مخالفت‌هایش دربارهٔ ایرلند به زندان افتاد، بین لیبرال‌ها شخصیت نابی بود. براون چهل سال به تدریس و تحقیق، در درجهٔ اول به فرهنگ و ادبیات ایران و همچنین به مطالعات اسلامی، عربی و ترکی پرداخت و متون مهمی را چاپ و یا ترجمه کرد. او تدریس ترکی را در کیمبریج آغاز کرد و به مطالعات فارسی و عربی حیاتی نوبخشید.

می‌توان گفت براون علاوه بر آثار ارزشمندی که نوشت با فعالیت‌ها و پژوهش‌های خود نهضت مهمی را در ایران‌شناسی سبب شد و بنده‌ای از شاگردان یا همکاران خود را به نشر و پژوهش در آثار ایرانی تشویق کرد. نیکلسون شاگرد او بود، و دنیسن راس. بنیان‌گذار مدرسه زبان‌های شرقی و آفریقایی لندن به تشویق او به رشتهٔ شناسی ایران آورده بود. آبربی به خاطر بورس تحصیلی که براون سال خود ایجاد کرده بود شروع به مطالعات شرقی کرد، و سال‌ها مدتی که تاریخ ایران کیمبریج را به یاری دانشمندان مدرسه در هشت مجلد به وجود آورد همیشه می‌گفت این حاصل بذری است که براون کاشته است. اینست که من در قسمت «پیوست» به بعد از این یاران و پژوهشگران پرداخته‌ام.

من همیشه می‌خواستم مکاتبات و اسناد براون را در بنای چاپ بکنم ولی افسوس که دیگر به قسمت اعظم آنها دسترسی نداشتم. تمام این نامه‌ها و اسناد براون توسط خانم کرافورد به کتابخانهٔ دانشگاه کیمبریج اهدا شده بودند، و من بعد از ۱۹۷۰، دیگر گذرم به کیمبریج نیفتاده است. خوشبختانه چند تن از دوستان عزیز به من کمک کردند تا این کتاب را به جایی برسانم. جان گرنی، استاد بازنشستهٔ اکسفورد که سال‌ها دربارهٔ

براون کار کرده است و کتاب مفصلی درباره او دارد که هنوز چاپ نشده است، لطف خاصی به من دارد و هر وقت سؤالی داشتم با کمال گشاده رویی جواب داده است و من بیش از همه رهین منت اویم. دوست دیگری که تمام نامه های براون به حسین دانش در استانبول را در اختیار من گذاشته، استاد پیتر چلکوفسکی از دانشگاه نیویورک است، که سالها پیش این نامه ها را از مجموعه ای که در اختیار خانواده دانش در استانبول بوده به خط خود استنساخ کرده و مقاله ای هم بر اساس آنها نوشته است. این نامه ها گویا در سرقتی که بعداً از خانه دانش شد، از دست رفته اند. پروفیسور چلکوفسکی رونوشت تمام آن نامه ها و با ایشان، های خود را در اختیار من گذاشتند، ولی متأسفانه به حارب این نامه ها که ۳۲ نامه است و بین اسناد براون در دانشگاه کیمبرج است، دسترسی نداشته ام. دوست جوانتری که خیلی راسخ کرده آقای دکتر منصور بنکداریان است، که در کتاب بالارزس حارب بریتانیا و انقلاب مشروطیت ایران سالهای ۱۹۱۱-۱۹۰۶: سیاست خارجی، امپریالیسم و مخالفت (چاپ دانشگاه سیراکیوز ۱۹۶۶)، نام مدارک مربوط به براون و دیگر مخالفان سیاست استعدری انگلیس نه تنها در مورد ایران بلکه درباره ایرلند را هم جمع کرده است. علاوه بر این کتاب دکتر بنکداریان مقالات دیگر خود را نیز در اختیار من گذاشته است و از هیچ همفکری و راهنمایی دریغ نکرده است. زنده یاد استاد ایرج افشار علاوه بر چاپ کتاب های متعدد چون نامه های براون به تقی زاده و غیره کمک های زیادی برای یافتن اسناد و عکس های کتاب کرده و راهنمایی ایشان نیز مثل همیشه خیلی مفید بوده است. همچنین از کمک های دوست و همکار عزیزم دکتر ویلم فلور، ایرانشناس به نام هلندی، دوست دیرینم آقای محمد قاسم زاده، که ویراستاری

اولیه کتاب را به عهده داشتند، دکتر احمد کاظمی موسوی از دانشگاه مریلند، آقای عارف همدم از دوستان دانشمند افغانی و خانم مونیکا ویت از همکاران آمریکایی نویسنده با سپاس یاد می‌کنم. همچنین از آقای محمدرضا جعفری که زحمت انتشار کتاب را متقبل شدند و از آقای محمد شریفی که ویراستاری نهایی کتاب را بر عهده گرفتند تشکر می‌کنم.

حسن جوادی

بتسدا، مریلند، ۲۲ خرداد ۱۳۹۴

www.ketab.ir